

# تدریس و تربیت شاگردان درسیره امام خمینی



عباس رحیم موکبی



## اشاره:

در شماره پیشین، نکته‌هایی در

زمینه «روش تدریس امام خمینی علیه السلام»

بیان شد. در این شماره نیز نکته‌هایی

دیگر از روش تدریس آن معلم نمونه

را مطالعه خواهید کرد.

## ۱۵. تدریس بی مطالعه خیلی اثر

ندارد

یکی از اطرافیان حضرت امام علیه السلام

می‌گوید: امام به من فرمودند: «فلانی!

فقه مشکل است؛ من دیشب هشت

ساعت برای این مسئله مطالعه کردم»<sup>۱</sup>.

۱۶. نگارش هر درسی، نکته‌ای

بسی مهم است

یکی از روشهای جالب امام در

تدریس، این بود که قبل از درس دادن،

مدتی ملاقاتهای خود را کاملاً تعطیل

می‌کردند و به کسی اجازه ملاقات

نمی‌دادند و به هیچ کار دیگری، جز

مطالعه، مشغول نمی‌شدند. و پس از

تمام شدن درس نیز، برای مدتی، با

۱. ویژگیهای معلم خوب، آیه الله مظاهری،

ص ۱۰۲.

می‌گفت: «من هرگز از حضرت امام نشنیدم که اسم مرحوم شاه‌آبادی علیه السلام را بیاورند و بدنبال آن، "روحی فبده" را نگویند.<sup>۴</sup>»

### ۲۰. با احترام از بزرگان یاد کن

حضرت امام، به بزرگان، علما و فقها بسیار احترام می‌گذاشتند و در تکریم و تعظیم آنان می‌کوشیدند و بزرگان را با عظمت یاد می‌کردند و این درس را نیز به ما یاد می‌دادند که به بزرگان باید احترام گذاشت.<sup>۵</sup>

امام هنگام تدریس وقتی که حرفها و سخنان شخصیتها را نقل می‌نمودند و می‌خواستند سخنان بزرگان فقه و اصول و فلسفه را رد کنند، با احترام رد می‌کردند. این طور نبود که مثلاً بگویند ایشان نفهمیده یا توجه نکرده است؛ بلکه با عباراتی از قبیل «این اعلم»، «این اعلام»، «بعض

کسی ملاقات نمی‌کردند تا مطالبی را که فرموده بودند بلافاصله بنویسند.<sup>۱</sup>

### ۱۷. حدیث اهل بیت را تو دست کم

مپندار

امتیاز درس امام ارج نهادن فراوان به روایات اهل بیت علیهم السلام بود... امام عملاً به روایات عنایت داشتند.<sup>۲</sup>

### ۱۸. کلاس تدریس تو، شرر به جان

می‌زند؟

از خصوصیات درسی حضرت امام که بر جاذبیت درسخنان نیز می‌افزود تذکرات اخلاقی ایشان بود. گاه این تذکرات را به مناسبت‌هایی در موقع شروع درس و یا در ایامی که منجر به تعطیلات می‌شد، می‌فرمودند. ... گاه این تذکرات آنچنان نافذ و مؤثر بود که بعضیها در درس امام به گریه می‌افتادند و بعضیها هم از حال می‌رفتند.<sup>۳</sup>

### ۱۹. جانم فدای استاد!

امام هنگام صحبت از استادشان می‌فرمودند: «شیخ عارف کامل ما شاه‌آبادی» و در دنباله آن نیز، «روحی فده: جانم فدای او باد» را اضافه می‌کردند. مرحوم آیه الله مطهری

۱. سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی، ج ۲، ص ۱۵۳.  
 ۲. مجله حوزه، ش ۳۲، ص ۱۵۷-۱۵۸.  
 ۳. اقتباس از: امیررضا ستوده (گردآورنده)، پایه پای آفتاب، ج ۴، ص ۲۶.  
 ۴. همان، ج ۳، ص ۲۵۶.  
 ۵. همان، ج ۲، ص ۲۶۳.

از آن شخصیت‌های علمی‌ای وجود داشتند که از نظر فکری با امام همراه نبودند، اما حضرت امام در برخورد با آنان یا پشت سرشان ادب را کاملاً رعایت می‌کردند به گونه‌ای که گویی اصلاً هیچ اختلاف فکری میان آنان وجود ندارد.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از شاگردان حضرت امام خمینی علیه السلام می‌گوید: عصرها امام در مسجد سلماسی قم درس اصول می‌گفتند. به ایشان اطلاع داده بودند که در مجلس درس بعضی از محققین نسبت به ملا صدرا علیه السلام اهانت شده است. ایشان با حال عصبانیت و در مقام موعظه و نهی از جسارت کردن به بزرگان دین فرمودند: «وما ادريك ملاصدرا: تو چه می‌دانی که ملاصدرا کیست؟ مسائلی را که بوعلی سینا از حل آنها عاجز مانده، ملاصدرا حل نموده است. چرا مواظب زبانمان نیستیم؟»<sup>۳</sup>

اعلام» و «بعضی از اعاظم» از آنان یاد می‌کردند. بطور مثال، سخنان مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری [مؤسس حوزه علمیه قم] را که می‌خواستند نقل کنند، می‌فرمودند: «بعضی از اعاظم.» در مورد شخصیت‌های دیگر نیز همین گونه بودند، یعنی حالت تخطئه نداشتند، بلکه حالت نقض و ابرام داشتند.<sup>۱</sup>

حضرت امام نه تنها به استادان خود احترام می‌گذاشتند، بلکه از تمام علما و دانشمندان به نیکی یاد می‌کردند. یکی از شاگردان حضرت امام خمینی علیه السلام می‌گوید: در یکی از نوشته‌های خود، درباره مطلب کسی، نوشته بودم که سخن وی «ظاهر الفساد» است. ایشان هنگام مطالعه نوشته من، در کنار آن مرقوم داشتند: «احترام مشایخ و بزرگان پیوسته باید مراعات شود.» روزی نیز درباره یک شخصیت علمی، سخنی از یک مجله لبنانی نقل کردم که در حقیقت، نقل اهانت بود. حضرت امام نسبت به کلام من، اظهار ناراحتی نمودند و مرا از نقل آن نهی کردند. و نیز در حوزه و خارج

۱. همان، ج ۲، ص ۲۶۳-۲۶۴.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۲۰-۲۲۱.

۳. سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام، ج ۲، ص ۳۰.

یکی از شاگردان حضرت امام علیه السلام می گوید: آن وقتی که در مسجد سلماسی قم پای درس ایشان حاضر می شدم، کمتر اتفاق می افتاد من یک مقداری زودتر به مسجد رفته باشم و حضرت امام تشریف نیاورده باشند. غالباً، من و بیشتر طلاب که به مسجد می رفتیم، می دیدیم حضرت امام پیش از همه تشریف آورده اند و روی منبر نشسته اند و آماده برای گفتن درس هستند. و باطناً هم می دانستیم حضرت امام از افرادی که بعد از شروع درس وارد مسجد می شدند خیلی بدشان می آید.<sup>۱</sup>

یکی دیگر از شاگردان حضرت امام خمینی علیه السلام می گوید: حدود هشت سال در درس خارج فقه و اصول حضرت امام شرکت کردم. همیشه ایشان سر ساعت معین در جلسه درس حاضر می شدند. آن ایامی که در مسجد

۱. اقتباس از: امیررضا ستوده (گردآورنده)، پایه پای آفتاب، ج ۳، ص ۹۴.  
 ۲. همان، ج ۱، ص ۲۶۷.  
 ۳. سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام، ج ۵، ص ۲۳.

## ۲۱. تنوع و نشاط را هرگز

### فراموش نکن

امام با آن همه کم حرفی و سکوتی که داشتند، گاهی نیز لطیفه‌ای می گفتند، مثلاً یکی از شاگردان فاضل ایشان اهل آذربایجان بود و هنگامی که در اشکال و سؤال کردن پافشاری می کرد و امام می خواستند او را ساکت نمایند، در آخر جواب، به ایشان می گفتند: «یُخ.» با این کلمه ترکی هم پرسشگر ترک زبان و هم بقیه حاضران می خندیدند و سر و صدا فرو می نشست. امام نیز بدون اینکه تبسمی کنند، به سخنان خود ادامه می دادند.<sup>۱</sup>

## ۲۲. تا کی باید بی نظم باشیم؟

یکی از ویژگی‌های مهم درس امام، نظم آن بود. ایشان نه تنها خود مقید بودند که سر ساعت مقرر به درس حاضر شوند، بلکه از شاگردانشان نیز، چنین انتظاری داشتند. گاهی اگر طلاب در آغاز درس نمی آمدند، ایشان ناراحت می شدند و می فرمودند: «آدم یک درس در روز بخواند ولی همان را خوب بخواند و مقید باشد که در آغاز درس نیز حاضر شود»<sup>۲</sup>.

سیاسی موجب آن نشد که امام از برنامه‌های حوزه‌ای و تدریس فقه اسلام باز بمانند و یا با سردی و بی‌نشاطی این برنامه‌ها را انجام دهند. امام در همان لحظات حساسی که بزرگ‌ترین مسائل سیاسی و ریدادها در زندگیشان پیش می‌آمد، هنگامی که در کرسی تدریس می‌نشستند چنان مسائل فقهی را موشکافی می‌کردند و به تحقیق و بررسی مسائل علمی می‌پرداختند که گویی هیچ حادثه‌ای برای ایشان رخ نداده است. مثلاً پس از دستگیری فرزندان مرحوم حاج آقا مصطفی علیه السلام از سوی رژیم بعث عراق و انتقال ایشان به بغداد، در برنامه درسی حضرت امام کوچکترین تغییری روی نداد و حتی می‌توانم بگویم که از روزهای دیگر نیز عمیق‌تر و گسترده‌تر، مباحث علمی را بررسی کردند.<sup>۲</sup>

۲۴. اگر نمی‌توانی، تعطیلی درس

چرا؟

یکی از شاگردان امام خمینی علیه السلام

۱. اقتباس از: امیررضا ستوده (گردآورنده)، پایه پای آفتاب، ج ۲، ص ۳۱۲.  
۲. همان، ج ۳، ص ۱۶۷-۱۶۸.

سلباسی قم تدریس می‌فرمودند، بعضی از شاگردان ایشان، پیش از درس حضرت امام، در درس استاد دیگری نیز حاضر می‌شدند. از این رو گاهی چند دقیقه بعد از شروع درس امام، در جلسه درس شرکت می‌نمودند. امام از این کارشان ناراحت می‌شدند و گاهی به آنان تذکراتی می‌دادند. معروف است که خود حضرت امام در دوران طلبگی‌شان منظم و بموقع در جلسات درس استادانشان حاضر می‌شدند. مرحوم آیه الله شاه‌آبادی استاد اخلاق حضرت امام، درباره نظم و حضور ایشان در جلسات درس گفته بودند: «روح الله، واقعاً روح الله است. نشد یک روز ببینم که ایشان بعد از بسم الله من، در درس حاضر شود. همیشه، پیش از آنکه بسم الله درس را بگویم، ایشان در درس من حاضر بوده است»<sup>۱</sup>.

۲۳. استاد دریا دل، بباک و غمی

ندارد

یکی از یاران امام علیه السلام می‌گوید: من یازده سال در نجف خدمت امام بودم. هرگز حوادث و رویدادهای بزرگ

به نتیجه مطلوبی برسد.<sup>۳</sup>

یکی از شاگردان حضرت امام خمینی علیه السلام می گوید: گاهی که ما درس را مطالعه می کردیم، خیلی آسان به نظرمان می رسید و این سؤال برایمان پیش می آمد که امام در این مورد چه می خواهند بگویند؟ ولی هنگامی که سر درس ایشان می آمدیم، متوجه می شدیم مسائلی وجود داشته است که ما از آن غفلت داشته ایم. و حتی یکی از استادان نجف می گفت: «من بیست سال در نجف درس خوانده بودم و خیال می کردم مستغنی شده ام، اما وقتی امام به نجف آمدند و پای درس ایشان رفتم، دیدم خیر، هنوز چیزی نفهمیده ام»<sup>۴</sup>.

### ۲۷. توجه به درک مطلب

یکی از نکات برجسته درس امام این بود که سعی می کردند اول، خودشان مطلب را خوب دریابند؛ یعنی قبل از اینکه خودشان مطلب را خوب دریابند، درباره آن بحث و

می گوید: حضرت امام مقید بودند که درس به هیچ وجه تعطیل نشود و چنانچه به بهانه ای درس تعطیل می گشت، ایشان واقعاً ناراحت می شدند و به مامی گفتند: «اگر شما نمی توانید بیایید، نباید درس را تعطیل کنید»<sup>۱</sup>.

### ۲۵. به آنچه می گویی اعتقاد

داری؟

حضرت امام، هم مستقلاً به عمق مسائل علمی می رسیدند و هم به آنها کمال اعتقاد را داشتند. مثلاً روزی یکی از شاگردان ایشان، برای اثبات مطلب خود، به قسم خوردن متوسل شد و گفت: «والله، مطلب این است که می گویم.» امام نیز در پاسخ او، به قسم متوسل شدند و فرمودند: «والله، این طور نیست که شما می گوئید.» و این حاکی از اعتقاد کامل امام به نظریات و عقاید علمی خودشان بود.<sup>۲</sup>

### ۲۶. وسعت نظر و جولان فکری

از خصوصیات درس امام، وسعت نظر و جَوَلان فکری ای بود که ایشان در دروسشان اعمال می کردند، یعنی درس ایشان به گونه ای نبود که شخص یک حرف را بشنود و یک حرف را تحلیل نماید و درس تمام بشود؛ بلکه ضمن درس، امام نظریات مختلفی را مطرح می کردند و طلبه مجبور می شد، در تحقیق هر مطلبی، نظریات مختلفی را ببیند و

۱. سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام خمینی، ج ۴، ص ۱۲۶.
۲. اقتباس از: امیررضا ستوده (گردآورنده)، پایه پای آفتاب، ج ۴، ص ۵۹.
۳. همان، ج ۴، ص ۲۹-۳۰.
۴. سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام خمینی، ج ۴، ص ۱۴۲.

فقه را در فقه، دروس اصول را در اصول و دروس فلسفه را در فلسفه مطرح کرد و آنها را از یکدیگر تفکیک نمود.<sup>۴</sup>

### ۳۱. تشویق شاگردان به تفکر و

#### استدلال

امام می فرمودند: «حرف مرا که می شنوید، تبعدی نپذیرید؛ فکر کنید، استدلال کنید.» و مثال لطیفی از استادشان، مرحوم آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی [مؤسس حوزه علمیه قم]، نقل می نمودند که ایشان می فرمود: «هنگامی که درس مرا می نویسید، پای ورقه یک اظهار نظری نیز بکنید، اگر چه یک فحش باشد، تا من بدانم که شما اظهار نظر هم کرده اید.» امام می فرمودند: «در مقام بحث، فکرتان را آزاد نگه دارید و نگویید استاد گفته است؛ استاد گفته باشد؛ خودتان نیز فکرتان را به کار بیندازید».<sup>۵</sup>

ادامه دارد....

۱. اقتباس از: امیررضا ستوده (گردآورنده)، پایه پای آفتاب، ج ۴، ص ۲۹.
۲. همان، ج ۳، ص ۲۱۲.
۳. مجله حوزه، ش ۳۲، ص ۷۲.
۴. اقتباس از: امیررضا ستوده (گردآورنده)، پایه پای آفتاب، ج ۴، ص ۲۵۸.
۵. همان، ج ۳، ص ۳۹.

بررسی نمی نمودند. مثلاً زمانی شخصی می خواست مطلبی را خدمت ایشان بگوید، حضرت امام با کمال دقت و با حواس کامل به حرف طرف گوش می دادند تا حرف طرف را خوب دریابند.<sup>۱</sup>

### ۲۸. تفکر در مباحث علمی

تفکر امام بر تبعشان غلبه داشت؛ یعنی تفکر و اندیشیدن ایشان بیش از تتبع و جستجو کردنشان در کتابها بود. به طور مثال، زمانی امام درس «مکاسب» می گفتند، من تعدادی کتاب به خدمتشان بردم و عرض کردم: «اینها راهم ملاحظه بفرمایید.» ایشان فرمودند: «همه را ببرید، من باید خودم فکر کنم. کسی که این همه کتاب را نگاه کند، برای فکر کردن خودش دیگر مجال نمی ماند».<sup>۲</sup>

### ۲۹. استفاده از نظریات دیگران

یکی از شاگردان حضرت امام خمینی علیه السلام می گوید: هنگامی که امام کتاب «کشف الاسرار» را نوشتند، از راه تواضع زیاد و روحیه شاگرد پروری، قبل از چاپ، آن را به حقیر دادند و فرمودند: «اگر نظری دارید، بیان کنید».<sup>۳</sup>

### ۳۰. توجه به قلمرو هر درس

امام در دروس خود همواره مسائل را تفکیک می کردند و می گفتند: «باید دروس